حکیم نظامی، اهل تفرش است

حسابی، ایرج

1-کلیات

شاهد هستیم،بسیاری از کشورهایی که فاقد هرگونه سابقه‏ی‏ تاریخی ملی و یادمان‏های پرارزش علمی،می‏باشند و یا برای خود، تاریخ‏سازی می‏کنند،مانند ایجاد تونل تاریخ علم،در کشور کره،با سابقه‏ی‏ 25 ساله،یا سخیف‏تر آن که یادمان‏های بزرگ ما را به عاریت می‏گیرند که نمونه‏ی بارز آن دریافت مصوبه‏ی بزرگداشت مولانا به‏عنوان مصری، افغانی یا ترک،آن هم،از یک سازمان جهانی،درحالی صورت می‏گیرد که ما به‏عنوان هم‏وطنان و صاحبان تمدنی برتر در بسیاری از موارد به فکر بزرگان و اندیشمندان خود نیستیم و با تکیه بر هزاران سریال و فیلم، دانشمندان خارجی را ملکه‏ی ذهن فرزندان خود می‏نماییم و پول،وقت و هنر هنرمندان خود را صرف تهیه‏ی سریال‏های بدآموز می‏کنیم.

نظاره می‏کنیم که چه‏گونه در سال گذشته در مسابقات جهانی عطر پاریس،بهترین عطر،متعلق به بزرگ‏ترین شرکت تخصصی ژیوانشی با نام سایروس یا کوروش،انتخاب می‏گردد و یا در پاییز گذشته شاهد بودیم‏ که کمپانی تویوتای ژاپن،هنگامی‏که بهترین محصولش برگزیده‏ی‏ نخست نمایشگاه‏های اتومبیل در ژنو می‏شود،باافتخار خودروی خود را به‏نام ایل قشقایی نام‏گذاری می‏کند و یا هزاران نمونه‏ی دیگر که در این‏جا فرصتی برای بیان آن نیست.

ولی،ما،خودمان در سریال‏ها و فیلم‏های کشورمان برای نام‏گذاری‏ نقش‏های منفی،مانند دزدها،قاچاقچی‏ها،قاتلین و...به‏جای استفاده از اسامی متجاوزین خانمان‏سوز و خانمان‏برانداز به این آب و خاک مقدس، مانند تیمور،اسکندر...هولاکو از نام‏های پربار فداکاران و متعهدین‏ سربلندی ایران عزیزمان مانند ایرج،داریوش،کوروش و...بهره‏ می‏جوییم.

درصورتی‏که با نگاهی کوتاه به تنها آرنگ(سمبل)آویخته،از سوی‏ غیرخودی‏ها بر دیوار مجمع عمومی سازمان ملل،یعنی منشور حقوق بشر کوروش کبیر،غرق در شادی و افتخار می‏گردیم.

از آن تکان‏دهنده‏تر و افتخارآمیزتر آن‏که،همان غیرایرانی‏ها،در اتاق‏ رییس سازمان ملل متحد از میان 190 کشور عضو،فقط دو بیتی سعدی:

بنی‏آدم اعضای یک‏دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

قرار دارد که به‏عنوان بهترین راهنمای بشریت انتخاب شده است و یا شاهد مفتخر برقراری باشکوه گاو میترا،اسب تخت جمشید،تنها یادمان‏ نقش‏بسته 40 متری در سالن دفتر اروپایی سازمان ملل،در ژنو می‏باشیم.

حال،به اصل موضوع پرداخته،دررابطه‏با شناخت و ضرورت‏ بزرگداشت،و معرفی دانشمندان ایرانی که همه‏ی آثار آنان و تمام‏ سلول‏های وجودی‏شان متعلق به این سرزمین و تمدن ده‏هزار ساله‏ی‏ استثنایی می‏باشد،مراتب زیر را به استحضار می‏رساند:

2-نظامی،اهل تفرش است

بنابر تحقیقات استاد دکتر سید محمود حسابی،بنیان‏گذار علوم نوین‏ در کشور،در چندین دیوان کهن بازمانده از شاعر بزرگ ایران‏زمین، نظامی،در کتاب‏خانه‏ی دانشگاه سوربن،و نیز کتاب‏خانه‏های برجسته‏ی‏ کشور خودمان،به‏خصوص در سفری که در سال‏های پایانی عمر خود به‏ شهر اجدادی‏شان،تفرش انجام دادند.پس از تطبیق خوانده‏های خود با کتاب‏ها و نظریات افراد سال‏خورده،و البته اندیشمند این خطه‏ی علم و فرهنگ،کاملا روشن شده است که نظامی بزرگ،متولد ناحیه‏ی‏ پرافتخار«تا»از شهرستان زیبای قهستان در ارتفاعات شهر تفرش بوده‏ است.

به‏طوری که،هم‏اکنون بعد از گذشت سالیان دراز،آثاری از شخص‏ او و خانواده‏اش،در این شهر به‏جا مانده که مورد ملاحظه‏ی دقیق استاد حسابی قرار گرفته است.

آثاری متعلق به پیش از مهاجرت به آسیای میانه(گنجه)و نیز بازمانده‏های تاریخی مانند:ارگ خاندان نظامی،منزل خواهر او و تا چندی قبل،خانه‏ی خود او با معماری برجسته که بیان‏گر هنر اصیل‏ زیبای ایرانی می‏باشد و هم‏چنین سنگ قبر باقی مانده و شایسته‏ی توجه‏ این بانوی ارجمند ایرانی.

و نیز دو قبرستان نو و کهنه در شهر«تا»که اسامی قریب به اتفاق‏ درگذشتگان،به‏نام نظامی می‏باشد که مزار خواهر نظامی در همان‏ آرامگاه کهنه،قرار دارد که هریک دلیلی بر این مدعای تاریخی‏ست.

این شاعر بزرگ و اندیشمند در شعری از قدیمی‏ترین دیوان‏ بازمانده‏اش می‏فرماید:

نظامی ز گنجینه،بگشای بند گرفتاری گنجه،تا چندچند نظامی که در گنجه شد شهروند مباد از سلام تو،نابهره‏مند نظامی،چو در بحر گنجه گمم‏ ولی از کهستان‏1شهر قمم‏ به تفرش،دهی هست،«تا»نام او نظامی از آن‏جا شده نامجو

که به زبان دیگر،این شعر بیان‏گر زادگاه او و چه‏گونگی مهاجرت وی‏ را،به شهر گنجه و تعلقات قلبی او به زادگاهش را روشن می‏سازد.

هنگامی‏که پروفسور حسابی،یافته‏های یادشده را با تمام مستندات‏ و قلم خویش با انشایی بسیار زیبا و ساده به محضر رهب معظم انقلاب‏ و پس از چند به‏حضور جناب‏آقای خاتمی،وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سپس به حضرت آقای هاشمی رفسنجانی،ریاست محترم جمهوری و بعد از آن جناب آقای مهندس میرسلیم،وزیر وقت ارشاد و سپس برای آقای بهشتی،ریاست سازمان میراث فرهنگی و هم‏چنین در چند نوبت به‏حضور آقای عطاء اللّه مهاجرانی در تمام سمت‏های‏شان‏ ارسال داشتند و انتظار مهرورزی و بذل توجه‏شان بر این بود که اقدامات‏ سریع،به‏جا و شایسته‏یی برای محفوظ نگاه داشتن این سرمایه‏ی ملی‏ به‏عمل آید.

و حتا استاد آرزومند آن بود که آن اماکن به شایستگی نگه‏داری و بازسازی شده و به‏موازات آن کتاب‏خانه و مرکز فرهنگی نظامی جهت‏ اطلاع‏رسانی هرچه بیش‏تر برای این ژرف‏اندیشان و سربلندی آفرینان‏ ایران‏زمین احداث گردد.

اما،متاسفانه اکنون پس از گذشت چندین سال،هنگام سفر به‏ تفرش،با ملاحظه‏ی خانه‏ی ویران شده‏ی نظامی و ساختمان چند طبقه‏ی ساخته شده جایگزین آن که‏ فقط دری از آن خانه‏ی قدیمی باقی مانده‏ است و یا خانه‏ی خواهر عزیز او که در شرف تخریب است،سقف فروریخته‏ی‏ ارگ عظیم نظامی،و قبرستان‏های‏ رهاشده‏ی یاد شده که می‏رود تا تمامی‏ سبزی خود را از دست بدهد،دل هر ایرانی واقعی و معتقد به‏درد می‏آید.

ولی هنگام سفر به شوروی سابق و روسیه حال و گنجه نه‏تنها شاهد نام‏گذاری میادین،خیابان‏ها،مدارس، کتاب‏خانه‏ها و دانشگاه‏های بسیاری حتا در آن گذشته‏های مبهم به‏نام این شهر بزرگ ایرانی می‏باشیم،بلکه تندیس‏ عظیم،افتخارآور و مزین به لوح‏ زندگی‏نامه‏ی پرآیین او در این شهر قرار گرفته است که البته چیزی غیر از درد و غصه در دل ایرانیان باقی نمی‏گذارد.

اما از آن‏جا که روح مشتاق پروفسور حسابی،پدر علم فیزیک و مهندسی‏ نوین ایران،پیوندی ناگسستنی با قلب و درد مردم آرزومند میهن‏مان و چشم امید به حمایت مسوولین ارجمند دارد،استدعا می‏نماید به هر نحو ممکن این‏ خواسته‏ی قلبی استاد را نه‏تنها به‏عنوان‏ یک ایرانی دل‏سوز بلکه،استادی مبارز که در تمام عمر خویش از هیچ کوششی‏ برای زنده نگاه داشتن زمینه‏های ملی‏ این سرزمین ارزشمند،دریغ نورزیده‏اند، مورد تشویق و ترغیب یادشدگان،قرار دهند تا انشاء اللّه در روزگاری نه‏چندان‏ دور،روحیه‏ی نگاه دارنده و سربلندی‏آفرین برای زمینه‏های ملی‏مان درمیان همه‏ی مردم‏ میهن‏مان جامه‏ی عمل بپوشد.

3-سخن پایانی

در خاتمه با قدردانی مجدد،و تقدیم برجسته‏ترین مراتب سپاس، سلامت،سعادت و توفیقات روزافزون حضرت‏عالی،خانواده‏ی ارجمند و هم‏کوشان گران‏قدرتان را از درگاه خداوند متعال مسالت می‏نماید.

پی‏نوشت‏ها

(1)-کهستان یا قهستان،واژه‏ی امروزی مهستان،نام ناحیه‏ی زیبایی در تفرش است‏ که«تا»نام قصبه‏یی‏ست دانش‏گستر که زادگاه نظامی در ارتفاعات آن‏بخش قرار گرفته است.